

بررسی ظلم و گناه در عصر ظهور

عابده بتول^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو درصدد است تا وضعیت ارتکاب به ظلم و گناه را در عصر ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم بررسی کند. یافته‌های تحقیق مبتنی بر ادله و استدلال عقلی و نقلی است و ثابت می‌کند که بروز و صدور گناه و ظلم و ستم در دوران ظهور کاهش چشمگیری دارد. تحقیق حاضر با پرداختن به علل و عوامل چنین کاهش چشمگیری در خلال بحث مشخص می‌کند که عواملی مانند فراگیری عدالت حقیقی، رشد و کمال عقل و علم بشر، جاری شدن خزائن و برکات آسمانی و زمینی بر انسان‌ها و هدایت ولایی امام حاضر از عوامل مهم این رویداد است. روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که با روش گزینش و اهم و مهم بیان شده است. **واژگان کلیدی:** انتظار، ظلم در عصر ظهور، عصر ظهور، گناه در عصر ظهور،

مهدویت.

۱. مقدمه

ریشه گناه، غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد هرگز گناه نمی‌کند. در روایات آمده است که در زمان ظهور، عقل انسان‌ها کامل می‌شود. قال الباقر (علیه السلام): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامُهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن جمع می‌کند و خرده‌هایشان با او کامل می‌شود» (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۳۶). پس در آن چون عقول کامل و هوای نفس تابع عقل می‌شود کسی به کسی ظلم

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فلسفه اسلامی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

نمی‌کند اگرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است. انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌های دوران غیبت اختیار دارند. آنها خود باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند. انسان مجبور نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر. اینکه سخن از اجرای عدالت فراگیر است خود نشان می‌دهد که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف شود، ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شد به سرعت عدالت درباره او اجرا شده و مجازات می‌شود. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶)

دوره حیات بشر از عصر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا دوران ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: دوره غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و دوره ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام. منظور از عصر ظهور، عصر حکومت جهانی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است و مراد از عصر غیبت، عصری غیر از ایام حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را شامل می‌شود که گستره آن از دوران حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا هنگام ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را در بر می‌گیرد. هریک از این دوران ویژگی‌های خاص خود را دارد. براساس منابع صحیح اسلامی از ویژگی‌های عصر ظهور، تکامل عقول انسان‌ها، افزایش چشمگیر علوم، تربیت صحیح دینی و اخلاقی و برچیدن نظام ظلم و فساد و بی‌عدالتی است. این دوران، دوران منحصربه‌فردی است که بشر خصوصیات و ویژگی‌های آن را تا قبل از آن به خود ندیده است، اما دوران غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام عصری بسیار سخت و دشوار و سرشار از گرفتاری‌ها و پیشامدهای ناگوار و ناگهانی است. عصری است که در آن فساد و گناه آشکارا انجام و دستورات بسیاری از احکام اسلام تعطیل شده است. به‌طورکلی دوره‌ای است که هواهای نفسانی بر انسان غلبه می‌یابد.

۲. جایگاه ظلم و گناه در عصر ظهور

براساس روایات، در دولت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام عدالت، جهانی می‌شود و ظلم و ستم از بین می‌رود، ولی این مسئله به معنای گناه نکردن همه انسان‌ها نیست؛ زیرا در زمان ظهور هم انسان‌ها قدرت انتخاب و اختیار دارند و ممکن است برخی از انسان‌ها با تبعیت از هوای نفس دچار

معصیت شوند که در قیامت به حساب آنها رسیدگی می‌شود؛ قیامت روز حسابرسی است. اگر انسان‌های عصر ظهور گناه نکنند خداوند متعال در روز قیامت به حساب آنها می‌رسد و به آنها پاداش می‌دهد و حسابرسی به معنای مجازات مجرمان و مانند آن نیست. بنابراین، قیامت معنای خودش را دارد و اشکالی ندارد که انسان‌های موحد و مؤمن عصر ظهور نیز به فکر قیامت باشند؛ زیرا یاد قیامت، انسان‌ساز است. همان‌طور که ترس از عقوبت، مانع و موجب ترک معصیت می‌شود نیل به ثواب و پاداش هم ایجاد انگیزه و شوق می‌کند.

در عصر ظهور، انسان از معصیت دست شسته و اعمال صالح انجام می‌دهد. این تصور که به طور حتم باید گناهی باشد تا قیامت معنا داشته باشد تصور باطلی است. قیامت روزی است که هم گناهکاران به جزای عمل خود می‌رسند و هم مؤمنان پاداش رفتار خود را می‌گیرند. بنابراین، اگر در عصر ظهور همه انسان‌ها صالح باشند باز هم قیامت باید باشد تا پاداش‌های رفتارهای صالحانه خود را بگیرند. براساس مفاد آیات و روایات، عصر ظهور عصر شکوفایی علم، عصر تحقق عدالت اجتماعی، برقراری صلح و سازندگی و تکامل علم و دین و امنیت و آرامش مردم و جامعه است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز به آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۳۶). امام صادق علیه السلام فرمود: «اما والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر؛ به خدا قسم! که عدالت خود را در درون خانه‌های مردم وارد می‌کند همان‌گونه که سرما و گرما داخل می‌شود» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۳۶۲). در قرآن کریم آمده است: «ما اراده کردیم بر آنان که در زمین دچار استضعاف شدند منت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم» (قصص: ۵). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از روزگار مگر یک روز باقی نماند خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی‌انگیزد که زمین را از عدل پر کند چنانکه از ستم پر شده باشد» (صافی گلیپایگانی، ۱۳۹۳، ۴/۱۴۲). پاسخ اینکه آیا در عصر ظهور کسی گناه می‌کند این است

که تا انسان در دنیاست به سبب وجود شیطان و نفس اماره نمی تواند از گناه دوری کند. اگرچه می تواند با نفس اماره و شیطان مبارزه کند، اما بشر همواره با فتنه و معصیت روبه روست. بعد از وقوع قیامت و حضور مؤمن در بهشت گناهی از او سر نمی زند و ظلم و بدی دیده نمی شود، البته این لطف و منت بزرگ را خداوند بر بشر قرار داده است که روزی در دنیا شاهد آبادانی و حاکمیت عدل به دست صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. به دلیل حضور مستقیم حضرت حجت میان مردم، جامعه و جو عمومی متأثر شده و عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد و مردم با یکدیگر مهربان شده با صدق و صفا زندگی می کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد اذیت و آزار دیگری نخواهد بود. وضع اقتصادی مردم خوب شده به گونه ای که مستحق زکات یافت نمی شود. باران های نافع و سودمند پی در پی می بارد، تمام زمین سبز و خرم می شود، توجه مردم به خدا زیاد شده و دور گناهان نمی گردند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ۴/۱۴۵). اینها نوید ظهور و حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ثواب یا گناه، دائرمدار انتخاب و اختیار است و این خمیره در جوهره انسان ها وجود دارد، پس تا زمانی که بشر وجود دارد حسن یا سوء اختیار با او همراه است و تا زمانی که دنیا وجود دارد انسان جزئی از موجودات آن است و با اختیار خود زندگی می کند. وجود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اگرچه باعث ایجاد مدینه فاضله می شود و بی عدالتی که بزرگ ترین ظلم است برچیده می شود، اما مردم در کردار خود به اقتضای اختیاری که دارند یا راه ثواب می روند و یا خطا کار شده و جزو دشمنان دین و حضرت قرار می گیرند. عموم افراد در عصر ظهور در مراتب بالای رشد و کمال قرار می گیرند، اما اجر و پاداش انسان هایی که در دوران قبل از ظهور زندگی می کنند و دین خود را نگه داشته اند و تسلیم و سوسه های شیطان نشده اند از مردمانی که در دوران ظهور زندگی می کنند و زیر نظر حاکمیت عدل الهی روزگار سپری می کنند بیشتر و بالاتر است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «عبادت به همراه خوف و در دولت باطل مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانید که هریک از شما که نماز فریضه را فرادا و پنهان از دشمن و در وقت بخواند خدا برای او ثواب بیست و پنج نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی

بخواند خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه‌ای انجام دهد خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هرکس نیکوتر انجام دهد خداوند ثواب را مضاعف می‌کند»، سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید: «شما صابر همراه با امام و منتظر دولت حق هستید. بر امام و بر جان‌های خود از شر حاکمان ظلم در هراسید. حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع می‌کنند و شما را در تنگی و طلب معاش قرار داده‌اند درحالی‌که بر دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید. از این رو، خداوند اعمال شما را چند برابر می‌کند. پس بر شما گوارا باد». حضرت در پایان حدیث می‌فرماید: «به خدا سوگند که هریک از شما به این حال بمیرد نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر واحد حضور داشتند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۲/۱۲۷). یکی از رهاوردهای دوران ظهور و حکومت عادلانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آزادی انسان‌ها از بردگی و ستمگری است. بشری که در طول تاریخ ستم‌ها و ظلم‌ها، آزادی واقعی او را سلب کرده و او را به بردگی و بندگی کشیده است در آن دوران به آزادی واقعی و مشروع و دلخواه خود می‌رسد. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «لیحل فیها رباً و یعتق رقاً». مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سیره صالحان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر و رنج‌دیده و ستم‌کشیده را آزاد سازد (سیدرضی، ۱۳۹۳، خطبه ۱۵۰).

۳. برچیده شدن عوامل گناه در عصر ظهور

مهمترین عامل صدور گناه از انسان طمع و حرص او به اندوختن مال دنیا و احساس نیاز انسان به متاع دنیا است. وقتی انسان به قدر کفایت از مال و ثروت بهره‌مند شود، عزت و آبروی اجتماعی بیابد، بینش او الهی شود، دنیا و متاع آن برایش بی‌ارزش شود، به یقین برسد که تمام وعده‌های الهی حق هستند و اگرچه دیگران نخواهند و نپسندند و در سر راه تحقق آن مانع بتراشند بالاخره محقق می‌شود. اگر انسان به یقین برسد که معاد و حساب و کتابی در کار است و بهشت و آنچه در آن است قابل مقایسه با عمر دنیا و آنچه در آن است نیست دیگر انگیزه‌ای برای ارتکاب گناه باقی نمی‌ماند.

در حکومت عادلانه و فراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موانع بی شماری در مسیر مرتکبان گناه قرار می گیرد مانند حکومت عدل فراگیر که رهایی از عدالت آن امکان ندارد، عواملی مانند محیط امن و سالم، عدم تمایل عموم مردم به پذیرش فساد و تباهی و گناه در عصر ظهور درصد ارتکاب گناه را کاهش می دهد. پس انگیزه ارتکاب به گناه، مفقود و مانع ارتکاب موجود می شود. بنابر برخی روایات و استدلال های مفسران برجسته، عمر ابلیس نیز با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام می شود و به استناد برخی روایات، آن ملعون به دست نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیت المقدس ذبح می شود و تسویلات، وسوسه ها و تزیین های او هم منقطع می شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱۴/۱۷۵)

۴. تداوم ابتلا و آزمون در عصر ظهور

براساس روایت، شیطان کشته می شود و مردم در زمان ظهور از شر وسوسه ها و فریب های او در امان خواهند ماند، ولی باز هم انسان حق انتخاب و اختیار دارد، پس باز هم امکان خطا و اشتباه برای او وجود دارد. نفس درونی و وسوسه های او انسان را رها نمی کند. همچنین چون دنیا محل ابتلا و امتحان است و مردم دوران ظهور نیز امتحان می شوند امتحان آنها در مقطع دیگر و به صورت دیگر و شاید مشکل تر انجام شود. برای مثال، دانش آموزی که در مقطع دبستان امتحان می دهد در حد و اندازه علمی و توان فکری از او آزمون گرفته می شود و وقتی به مقطع راهنمایی و دبیرستان وارد می شود با توجه به رشد علمی و فکری امتحان سخت تری را باید پشت سر بگذارد. همین فرد وقتی وارد دانشگاه شد باز باید امتحان بدهد و حتی ممکن است امتحان او به جای ده سؤال فقط يك سؤال باشد و به او اجازه استفاده از کتب نیز داده شود، ولی روشن است که امتحان او بسیار سخت تر است و بخشش و ارفاق استاد نسبت به او کمتر می شود. اگر دانش آموز ابتدایی بشنود در دانشگاه چنین امتحانی می گیرند آن را شاید نوعی ظلم بداند و بگوید: «چگونه است من که مقدار علم کمتری دارم باید سؤالات بیشتری را آن هم به صورت حفظی پاسخ دهم، ولی دانشجو هم سؤالات کمتری دارد و هم حق استفاده از کتاب برای اوست، ولی فردی که به همه دوره های تحصیلی اشراف دارد درمی یابد که کلام این دانش آموز صحیح نیست».

دوران ظهور نیز چنین است هرچند امتیازات بی نظیر و بی بدیلی دارد، ولی امتحانات خاص خود را نیز دارد. قرآن کریم در مورد زنان پیامبر ﷺ می گوید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يَصَافَّ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ ای همسران پیامبر هرکدام از شما گناه آشکاری مرتکب شد عذاب او دو چندان است» (احزاب: ۳۰)؛ یعنی «انتساب شما به پیامبر ﷺ به شما ویژگی و امتیازی داده است که اگر تقوا پیشه کنید مانند دیگر زنان نیستید، بلکه ممتازتر هستید و اگر خطایی مرتکب شوید نیز از دیگران بیشتر در عذاب هستید». باتوجه به دو نکته مطرح شده روشن می شود که خداوند در همه حال نسبت به بندگان عدالت را مراعات می کند.

۵. اختیار گناه کردن افراد در دوران ظهور

بعد از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف مانند قبل از ظهور اختیار باقی است و برای انسان امکان گناه کردن است و این مطلب مسلمی از نظر ادله عقلی و نقلی است.

۵-۱. ادله عقلی

-انسان موجودی است که به طور ذاتی در افعالش مختار است. این امری وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند این مطلب را درک می کند. پس ویژگی اختیار در تمام دوران حیات انسان با او همراه است.

یکی از اصول دین، معاد است. انسان معتقد است که قیامت برای تمام افراد از اول هستی تا آخر حتی برای پیامبران و ائمه علیهم السلام ثابت است و هیچ استثنائی در بین نیست. روشن است که مسئله قیامت و ثواب و عقاب، فرع صحت تکلیف و تکلیف، متفرع بر اختیار است. خداوند نسبت به بندگان خود رحیم تر از آن است که آنها را به گناه مجبور کند و سپس آنها را کیفر دهد. پس اگر معاد برای همه است اختیار هم باید برای همه باشد.

۵-۲. ادله نقلی

خطابات در قرآن کریم یا با لفظ ناس (مردم) است مانند «یا ایها الناس» و یا با مؤمنین مانند «یا ایها الذین آمنوا». لفظ ناس شامل تمام افراد می شود و هیچ دلیلی هم بر تخصص نیست و

نسبت به خطاب «الذین آمنوا» یا افراد و انسان‌های پس از ظهور ایمان می‌آوردند که مشمول این خطابات و تکالیف هستند و یا ایمان نمی‌آورند که باز هم نشانگر اختیار و امکان گناه برای آنهاست و هیچ دلیلی بر تخصیص و خروج آن افراد از این خطابات نیست. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶)

۶. نتیجه‌گیری

مهمترین عامل صدور گناه از انسان طمع و حرص او به اندوختن مال دنیا و احساس نیاز انسان به متاع دنیاست. وقتی انسان به قدر کفایت از مال و ثروت بهره‌مند شود، عزت و آبروی اجتماعی بیابد، بینش او الهی شود، دنیا و متاع آن برایش بی‌ارزش شود و به یقین برسد که تمام وعده‌های الهی حق هستند دیگر انگیزه‌ای برای ارتکاب گناه باقی نمی‌ماند. چون در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد و شکوفایی فکری و عقلی بشر کامل و عدالت و امنیت جهانی می‌شود و وسوسه‌های دشمن همیشگی بشر کاهش می‌یابد زمینه‌های ارتکاب به جرم و ظلم تا حد چشمگیری کاهش می‌یابد، البته این بدان معنا نیست که هیچ ظلم و ستمی رخ نمی‌دهد، بلکه همیشه نشان مختار آزاد است تا راه درست یا غلط را پیش بگیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۹۳). مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- ۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۸۸). آفتاب مهر. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مرکز تخصصی امامت و مهدویت.
- ۲. صافی گلپایگانی (۱۳۹۳). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. قم: انتشارات منیر.
- ۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۴. علیمی، محبوبه. و محمدی مهر، علی اکبر (۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های جامعه جهانی در عصر غیبت و عصر ظهور. نهمین همایش علمی-پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران.
- ۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.